

فصلنامه علمی- پژوهشی **رهیافت**

سال دهم، شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۵
صفحه ۹۵ تا ۱۱۶

حفظ هویت اسلامی و امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر مقام معظم رهبری

سید محمد طباطبایی / دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی
امین حجازی / دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی
aminhejazi30@gmail.com

چکیده

سیاست خارجی هر کشور رویکردها و جهت‌گیری آن را نسبت به نظام و روابط بین‌الملل نمایان می‌سازد. در ج.ا.ایران، نقش مقام معظم رهبری در سیاست خارجی، ویژه و برتر است و بر اساس قانون اساسی، بالاترین جایگاه را برای تصمیم‌گیری‌های کلان در سیاست خارجی نظام دارد. مقام معظم رهبری در دیدارهای سالانه با مسئولان وزارت امور خارجه و نمایندگان سیاسی ج.ا.ایران در سایر کشورها، اصول سیاست خارجی ج.ا.ایران را تبیین می‌کنند و تحلیل محتوای کمی و کیفی بیانات ایشان نشان می‌دهد که چهار اصل حفظ هویت نظام اسلامی ایران، نفی نظام سلطه، حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران و روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحراب، مهم‌ترین اصول سیاست خارجی ج.ا.ایران در اندیشه مقام معظم رهبری می‌باشند که در میان آنها حفظ هویت نظام اسلامی ایران، به طور قابل توجهی حائز اهمیت بالاتری است. بر این اساس، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که چرا حفظ هویت اسلامی در سیاست خارجی ج.ا.ایران از منظر مقام معظم رهبری، حائز اهمیت بالاتری می‌باشد؟ فرضیه محققان این است که از منظر مقام معظم رهبری، حفظ هویت اسلامی در سیاست خارجی به دلیل تأمین امنیت هستی‌شناختی ج.ا.ایران حائز اهمیت بالاتری می‌باشد. برای بررسی فرضیه مزبور، تحلیل محتوای کمی و کیفی بیانات مقام معظم رهبری در هجده دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و نمایندگان سیاسی ج.ا.ایران در سایر کشورها از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۰ انجام شده و سپس نتایج آن با استفاده از نظریه امنیت هستی‌شناختی تحلیل شده است.

کلیدواژه: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، مقام معظم رهبری، امنیت هستی‌شناختی، هویت.

تاریخ تأیید ۱۳۹۵/۱/۳۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۲/۱۸

مقدمه

سیاست خارجی عبارت است از استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیران حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. سیاست خارجی از مهم‌ترین وجوه زندگی اجتماعی-سیاسی ملت‌ها و کشورها به شمار می‌رود؛ زیرا بقا و حیات آنان تا حدود بسیاری در گرو سیاست خارجی آنهاست (متقی و آزرمی، ۱۳۹۳: ۲). هر کنشگری در نظام بین‌الملل، هویتی را برای خود تعریف نموده است که در سیاستگذاری خارجی خود با سایر کنشگران، آن را رعایت می‌نماید. دولت‌ها کنش‌گرانی اجتماعی به شمار می‌آیند که بر اساس منطق تناسب یعنی متناسب با هویت خود عمل می‌کنند. (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰(ب): ۸۵) بر این اساس، وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث تکوین هویت جدیدی برای این کشور در عرصه داخلی و خارجی گردید؛ هویتی که برای دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر وظیفه صیانت از استقلال، آزادی و منافع ملی کشور، دربردارنده مسئولیت‌ها و تکالیف فراملی در چارچوب نقش‌های متعدد فراملی است و یک نظام ارزشی یا یک قالب فکری جدید پدید آورد (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۰).

جمهوری اسلامی ایران در فرایند تصمیم‌گیری و سیاستگذاری خارجی بر اساس هنجارهایی رفتار می‌کند که هویت و نقش آن را به عنوان جمهوری اسلامی تعریف و تعیین می‌کند. در واقع رفتار سیاست خارجی ایران در چارچوب مؤلفه‌های هویت‌ساز معنا و مفهوم می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۷). در واقع، سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سه دهه اخیر در عرصه بین‌المللی بازتابی از مبانی هویت‌ساز خود بوده است (رستمی و غلامی، ۱۳۹۴: ۱۳۵). هویت شکل گرفته در تمامی دوره‌های سیاست خارجی نظام ج.ا.ایران بعد از وقوع انقلاب تا به حال ثابت بوده و نقش‌های نسبتاً یکسانی را برای این دولت در صحنه نظام بین‌الملل ایجاد کرده است، لکن در هر دوره برای بازنمایی این نقش‌ها، الگوهای رفتاری متفاوتی در نظر گرفته شده است. به طور کلی از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی تاکنون، هویت اسلامی انقلابی جمهوری اسلامی ایران باعث تداوم رفتار سیاست خارجی ایران شده است (دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی، ۱۳۹۱: ۷۶).

از طرف دیگر، در سیاست خارجی، نخبگان، به ویژه نخبگان حاکم با در اختیار داشتن سکان زمامداری جامعه، نقش تعیین‌کننده در سیاست خارجی کشور دارند. (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). نهاد رهبری رفیع‌ترین رکن نظام و رهبری بالاترین مقام جمهوری اسلامی ایران است

و بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام از جمله در حوزه سیاست خارجی و نظارت بر حسن اجرای آنها برعهده مقام رهبری است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۵۵-۲۵۴). بر این اساس، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مناسبت‌های مختلف از جمله در دیدارهای سالانه با مسئولان وزارت امور خارجه و نمایندگان سیاسی ج.ا.ایران در سایر کشورها، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تبیین می‌کنند و تحلیل محتوای کمی و کیفی بیانات ایشان نشان می‌دهد که چهار اصل حفظ هویت نظام اسلامی ایران، نفی نظام سلطه، حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران و روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحارب، مهم‌ترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری می‌باشند که در میان آنها حفظ هویت نظام اسلامی ایران، حائز اهمیت بالاتری است. بنابراین سؤال اصلی تحقیق این است که چرا حفظ هویت اسلامی در سیاست خارجی ج.ا.ا از منظر مقام معظم رهبری، حائز اهمیت بالاتری می‌باشد؟ فرضیه محققان این است که از منظر مقام معظم رهبری، حفظ هویت اسلامی در سیاست خارجی به دلیل تأمین امنیت هستی‌شناختی ج.ا.ایران حائز اهمیت بالاتری می‌باشد. برای بررسی فرضیه مزبور، ابتدا چارچوب نظری امنیت هستی‌شناختی به طور مختصر بیان می‌شود. در ادامه تحلیل محتوای کمی و کیفی بیانات مقام معظم رهبری در هجده دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و نمایندگان سیاسی ج.ا.ایران در سایر کشورها از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۰ ارائه می‌گردد و نشان داده می‌شود که در اندیشه مقام معظم رهبری، حفظ هویت اسلامی در سیاست خارجی ج.ا.ا حائز اهمیت بالاتری می‌باشد. در ادامه، تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در خصوص حفظ هویت اسلامی با استفاده از نظریه امنیت هستی‌شناختی انجام می‌شود. در نهایت نتیجه‌گیری از مطالب مزبور ارائه می‌شود.

۱- چارچوب نظری: نظریه امنیت هستی‌شناختی

نظریه امنیت هستی‌شناختی (Ontological security) در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی از نظریه وجود انسانی آنتونی گیدنز در سطح فردی استنتاج شده است. گیدنز، امنیت هستی‌شناختی را به صورت نیاز اساسی و اولیه افراد به «احساس نوعی تداوم و نظم در حوادث، از جمله آنهایی که مستقیماً در محیط ادراکی فرد قرار ندارند»، تعریف می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۴). امنیت هستی‌شناختی یک نیاز اولیه و اصلی است؛ زیرا داعیه‌های هویتی یکی از اصلی‌ترین نیازهای بشر می‌باشد و بازیگران از عدم اطمینان و

حتمیت به عنوان یک تهدید هویتی در هراسند(میتزن، ۱۳۸۸: ۲۶۵). در نگاه سنتی به امنیت، فرض این است که دولت‌ها فقط در پی امنیت فیزیکی هستند و به دیگران هم آسیب فیزیکی می‌زنند، اما استدلال میتزن این است که امنیت فیزیکی تنها امنیتی نیست که دولت‌ها در پی آن هستند(یزدانفام، ۱۳۹۰: ۱۹۱). جامعه برای تأمین امنیت و تثبیت افراد خود باید ثبات شناختی و معرفتی داشته باشد. در این صورت افراد به این هویت‌های گروهی باثبات وابسته خواهند شد. یک عنصر اصلی جامعه، هویت و تمایز آن از سایر جوامع است(میتزن، ۱۳۸۸: ۲۷۴). هویت مفهومی است که دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌کند. هویت‌ها معنای کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و مردم به واسطه آنها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند(گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۷). امانوئل کاستلز معتقد است: همان گونه که نقش‌ها کارویژه‌ها را سازمان می‌دهند، هویت‌ها هم معنا را سازمان می‌دهند. هویت در ایجاد امنیت برای جامعه و انسان دارای ضرورت است و از سوی دیگر رسیدن به پیشرفت و توسعه نیازمند هویت است(عیوضی و هراتی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). مفهوم هویت و شناخت خود و دیگران، از موضوعاتی است که سیاست خارجی کشورها بسیار به آن متکی است. کشورها خواهان آن‌اند که بدانند در کجای جهان ایستاده‌اند و دیگران چه نگرشی نسبت به آنها دارند. «خود» و «دگرسازی»، مبنای ساخت و شکل‌دهی به جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها را تشکیل می‌دهد و اساس تعیین متحدین و دشمنان به شمار می‌آید(پورآخوندی، ۱۳۸۱: ۶۰۱). در واقع هر هویت، تعریف اجتماعی کنشگر و سازوکاری است که به افراد، درکی از خود و ابزاری برای فهم روابط خود با محیط خارجی را ارائه می‌دهد. از سوی دیگر تکوین هویت یک کنشگر مستلزم قائل شدن به مرزهایی میان خود و دیگری است(رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۱). هویت‌ها چه در سیاست بین‌الملل و چه در جامعه داخلی برای آنکه دست کم سطح حداقلی از پیش‌بینی‌پذیری و نظم تضمین گردد، ضروری هستند و در هر جامعه‌ای سه کارویژه ضروری دارند: به شما می‌گویند که کیستید، به دیگران می‌گویند که شما کیستید، و به شما می‌گویند که دیگران کیستند(هوپف، ۱۳۹۳: ۴۵۵). دولت‌ها کنش‌گران اقتصادی نیستند که بر اساس منطق پیامد، رفتار و تصمیم‌گیری می‌کنند، بلکه کنش‌گرانی اجتماعی به شمار می‌آیند که بر اساس منطق تناسب یعنی متناسب با هویت خود عمل می‌کنند(رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰(ب): ۸۵).

بر این اساس، امنیت هستی‌شناختی، امنیت بدن نیست، بلکه امنیت خود است. اینکه چه کسی هستیم و هویت‌مان چیست؟ البته بدون بدن، هیچ خودی وجود ندارد، اما این هم کاملاً درست است که بدون درک ثابتی از خود، کسب اطمینان از امنیت بدن ممکن نیست. نیاز قطعی هویت در تناسب اقدامات و کنش‌ها با هویت است. عدم قطعیت در این مسئله، به مثابه تهدیدی علیه اقدام عقلانی و هویت تلقی می‌شود (رستمی و غلامی، ۱۳۹۴: ۱۳۸). در واقع، امنیت هستی‌شناختی یک پیش‌نیاز و پیش‌شرط برای کارگزاری و هویت شخصی و خودشناسی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۵). دولت‌ها نه تنها درصد تأمین امنیت فیزیکی و مادی یعنی سرزمین و ساختار حکم‌رانی خود هستند، بلکه امنیت هویت خویش به عنوان بازیگر متحد حقوقی را نیز جستجو می‌کنند. این احساس امنیت از فهم ثابت و مستمر دولت‌ها از هویت، ارجحیت‌ها، اهداف و منافع خود حاصل می‌شود (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۵۳). فرایند هویت‌یابی هم برای افراد و هم برای دولت‌ها از طریق روابط‌شان با دیگران انجام می‌شود. اهمیت این هویت‌یابی اینجاست که افراد و دولت‌ها برای آنکه بتوانند احساس کارگزار بودن داشته باشند، به یک محیط شناختی باثبات نیاز دارند که بر اساس آن بتوانند بین ابزارها و نیازهایشان در مواقع لازم ارتباط برقرار کنند. این محیط شناختی که بر اساس تصور فرد یا دولت از خود در مقابل دیگران به دست می‌آید، به او احساس هویت می‌دهد (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۲۵). از آنجا که هویت باعث کنش می‌شود، پس ثبات آن در طول زمان به این بستگی دارد که در عمل مورد تأیید و حمایت قرار گیرد. به عبارت دیگر، هویت یک فرآیند پویایی است که کنش از آن نشأت می‌گیرد که به نوبه خود هویت را حفظ می‌نماید. بر این اساس است که استدلال می‌شود کشورها علاوه بر امنیت فیزیکی، دغدغه امنیت هستی‌شناختی نیز دارند (میتزن، ۱۳۸۸: ۲۶۵-۲۶۲). در واقع، امنیت هستی‌شناختی، نگرش دولت به خود و تصویری که دولت‌ها می‌خواهند دیگران از آن داشته باشند را به منصفه ظهور می‌رساند. هویت دولت‌ها که بر اساس روایت تکوین‌یافته از خود در طی زمان شکل گرفته است، کنش‌های سیاست خارجی در عرصه روابط بین دولت‌ها را امکان‌پذیر می‌کند. تشویش و اضطراب وجودی زمانی برای دولت‌ها مفهوم پیدا می‌کند که آنها متوجه شوند کنش‌هایشان با هویت آنها سازگاری ندارد (رستمی و غلامی، ۱۳۹۴: ۱۴۴). امنیت‌طلبی هستی‌شناختی انگیزه و علتی برای کمینه کردن عدم اطمینان شدید از طریق تحمیل و اعمال نظم معرفتی و شناختی بر محیط است. ایجاد اطمینان و اعتماد اساسی از طریق عادی‌سازی